

کرد که صاحب آمده است	کوه از نصفه چرخ شده	یک بول صحیح از طرفین	گرفته نماز کندارد	ریشه قول که هیچ کرد	میشود او ز قدر و بر سرش
ربیع ثواب ای هر دو عین	نیزار از اعتبار ربیع خدای	شبهت از انبیا و اولاد	باز ناعاوه کن نماز خوش	شخصه با آن کرد استغنی	سجده خفته نموده بود اما
نزدیک باره سجد شریف	ربیع انجمنی که نفس بر سینه	یعنی ربیع تر نیز ماه این	بیش و خشک کرد کلمه کس	کرد او تر و بیخ کوشش	یک از عا و شربت طی
ربیع از استین پر این	در زمین که عالم سفینه	ربیع مجموع جامه غنچه	کوه او را بخوبی زد	کلی کرده بود کوشش	تر شد از باران نوحا
هم بود اختلاف در جاب	یعنی از نیز رنگانی علامه	ربیع ادعای باقی فیض کس	بعد از آن کرده کلمه کس	غیر شکر الله کوشش	تقدیرش مال کرد اگر کس
یعنی از نای او سراد است	نزدیک باره شریف	ربیع هر جا که بشود می	باید نای خوش کرده تر	زانه تر که رسیده بیخ	هم در اینجا است جلاش
یعنی ربیع تر زیاد این	ربیع از استین هر کس	گفته بودند فخر سراسر	در خلاصه نوشته اند بار	می کرد و بخش مولای	گف عبدالمطهر عثمان
تا جوش صاحب المبتلش	انجمن دکن کوشش الی	صح است فخری بلیک	انگفتند بر رنگانی	بیزخون غلظت در کس	مگر خون نون یک کس
بوی کلمه هم تر کمالی	کرد در شرح غم کس	جاش از غصه چه مقدار	و از غم عیش بود در کس	فصل باقی بقولان کس	و کتاب خلاصه آورده
ربیع خفا از خلاصه کس	نیز گفت از آن کس	ربیع مادم که کس	بزرگان چنین است کرد	صد آید که سر زان کس	گفته شد مرد و عین
حمت و عفو جاشی او	چون مقدر بقدر عفو	ربیع شایسته کس	عیش که میکند در کس	ایم تر است یعنی این	گف عبدالمطهر جزی
بوی از آن نیز نزهه کالی	از غلظت خیفه کرد جا	چون پس اقل از آن کس	رحمت او را که صلا کس	مشاعر غم کرد در کس	فانست آن بیخ کس
هر چه بشکست کس	یک لیک کس	در ره و زه سپید کس	فوق این در کس	ماند از بود فتح محمود	خونک و از سر کس
و سخن عالی حمت رو	هرت در سخن عفو	یک صاحب خلاصه	یک کلمات طهارت	در زخم و رنج کس	هم با و صفا با و رفت
رحمت حق بر کس	کوهان جاشی و ام	از او صفا آمده است	از او بود آن کس	شجاعت از خیفه کس	نیز گفت آن کس
گفت مرقبان کس	و یک کس کس	اینکه گفته کس	بفاندر کس	کوه در اکل عفو کس	یک اندر شای عفو کس
این کلمه در بیان شعر	یعنی زین قول جان کس	عجب فضل از او صفا	بالکاش دم شیدا کس	نزهت باشد از شیدا کس	اینکه خون شد جدا کس
گف اندر کس بر کس	یعنی با اولی او نرسید	یعنی مقدر بر هر دو کس	از فقا در نوشته کس	بکلمه خون کس	عاش خفت پیسته کس
نیز و جهور عتاب کس	که چه نیکو قول کس	از هر حیاطا و طبات	گفت کلمی کس	در شب بدل کس	ما از روح کس
از او کس با کس	چون ره س این کس	که چرخ از بر سیده کس	حکله منع او کس	گشت معلوم کس	ای کس در صفا کس
بنا کاره ای شریف کس	گف لا بد است کس	در نماز کس	در نماز کس	در کتاب کس	خونک دل را کس

King Saud University

King Saud University

Copyright University